

داستان‌شان منحصر به فرد و شنیدنی است؛ دانش‌آموزانی که پس از سی سال همراه مدیر و معلمان‌شان جمع می‌شوند و آن شغف پیدا کردن دوستان گم کرده‌شان باعث می‌شود، به پاس آموزش‌های خوبی که در مدرسه جامع خیابان دولت دیده بودند، کاری برای آموزش به مناطق محروم انجام دهند. همین می‌شود که گروهی را پایه‌گذاری می‌کنند به نام «یاران جامع». این گروه از سال ۵۳ وارد مدرسه جامع شده بودند. برای نخستین بار قرار بود در طرحی آزمایشی، دروس نظری با دروس فنی برای دانش‌آموزان ممتاز تدریس شود تا بچه‌ها پس از فارغ‌التحصیلی بتوانند بلافاصله وارد بازار کار شوند. این طرح پس از ۲ دوره از سوی آموزش و پرورش لغو شد. اما از همان دوره، آنهایی که این مرحله را سپری کرده بودند، خاطرات خوشی از دوران دبیرستان جامع با خود بردند. مدرسه مختلط بود و پس از انقلاب به کلی پسرانه شد. اما پس از ۳۳ سال این دانش‌آموزان همراه معلمان و مدیران‌شان دور هم جمع شدند، تا خاطره‌ای زنده کنند. دورهمی که به همانجا ختم نشد و ادامه‌ای خیر و خوش پیدا کرد.

## ۱۲۰ نیکوکار، همشاگردی‌های دبیرستان جامع

حالا ۴ نفر از آن گروه یکصد و ۲۰ نفره آمده‌اند تا از کارهایشان بگویند. از اینکه دوستی‌ها همان دست‌های کمکی هستند که می‌توانند دستگیر خیلی از آنهایی که خود را تنها حس می‌کنند، باشند. پوران اسماعیلی که از همان ابتدا مبصر کلاس بود اکنون مدیرعامل این انجمن است. او درباره پیدا کردن دوستانش می‌گوید: «سال ۸۹ همگی دور هم جمع شدند و رابطه‌های دوستانه دوباره شکل گرفت. خیلی‌ها در گروه‌های کوچک‌تری هنوز با هم در ارتباط بودند. عده‌ای را هم از طریق شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده بودیم. بعضی هم کلاس‌هایمان به خارج از ایران رفته بودند و برخی موقعیت‌های علمی و مالی خوبی داشتند. این‌طور شد که در قراری پس از سال‌ها در مدرسه جامع جمع شدیم. دوست نداشتیم این جمع که پس از ۳۰ سال به هم رسیده بودند به همین زودی از هم جدا شوند. این بود که سعی کردیم باکاری دوستی‌هایمان را ماندگارتر کنیم و به پاس آن آموزش‌های خوبی که روزی در این مدرسه داشتیم، کار مهمی انجام دهیم. همین شد که تصمیم گرفتیم کارهای عام‌المنفعه انجام دهیم.»

مدرسه‌ای برای ۷۵۰ دانش‌آموز

ابتدا پراکنده کارهای خیری انجام می‌دادند و همان اوایل جمع شدن‌شان بود که کتابخانه‌ای تأسیس کردند و بعد تصمیم به انجام کارهای خیر دیگر گرفتند؛ لوازم‌تحریر پخش کردند، کتاب خریدند و... اما باز همه اینها هم آن‌کاری نبود که می‌خواستند انجام دهند. پس با تحقیق روی مناطق محروم کشور برخی استان‌ها را که شرایط مساعدی نداشتند شناسایی کردند و جایی را که باید، پیدا کردند؛ روستای صدیق‌زهی در منطقه دشتیایی از توابع سیستان و بلوچستان. مرتضی حسینی، مدیر طرح و برنامه این گروه که خودش از شاگردان دبیرستان جامع بوده است می‌گوید: «منطقه‌ای در سیستان و بلوچستان به‌عنوان منطقه آزمایشی انتخاب شد و گروه متمرکز نیازسنجی‌های این منطقه را بررسی کرد. این منطقه، منطقه‌ای مرزی بین ایران و پاکستان است. منطقه‌ای عریض که ۲۷ هزار دانش‌آموز دارد و این روستا که ما اکنون در آن فعالیت می‌کنیم ۷۵۰ دانش‌آموز دارد. کتابخانه‌ای نیز در حال تجهیز است که درباره آن در شروع راه هستیم.»

## انسجام پنجاه و هفتی‌ها!

وقتی به همدیگر می‌رسند سن و سال‌شان را فراموش می‌کنند. حس می‌کنند نوجوانانی هستند که انگار همین دیروز در دبیرستان جامع خیابان دولت با هم رقابت داشتند و برای اینکه در درس از هم پیشی بگیرند کلی هیجان داشته‌اند. شاید این حس نشاط همان معجزه کم‌کم به دیگران باشد. گروهی با ۱۲۰ عضو که همگی سال ۵۷ و ۵۸ دیپلمه شده‌اند. خودشان را به ۲ گروه پنجاه و هفتی‌ها و پنجاه و هشتی‌ها تقسیم کرده‌اند. در سال ۲ گردهمایی دارند و برنامه‌ای تنظیم کرده‌اند تا آنان که خارج از ایران نیز کار و فعالیت می‌کنند جلسات مداومی با هم داشته باشند. می‌گویند همه هم و غم آقای عباسی، مدیر مدرسه‌شان که اکنون نیز یکی از اعضای فعال این گروه است، انسجام خانواده جامع بوده است. وقتی سؤال می‌کنم چرا سیستان و بلوچستان؟ او می‌گوید: «درست است که در تهران و حواشی آن نیز مناطق محروم وجود دارد، اما به این فکر کردیم این مناطق به تهران و مرکز امکانات نزدیک هستند. مثلاً از آن منطقه تا مرکزیت فاصله چندانی وجود ندارد و شاید نیم ساعت تا یک ساعت خانواده‌ای بتواند فرزندش را به امکانات برساند. اما در مناطق محروم و مرزی این فاصله به اندازه‌ای طولانی و زیاد است که عملاً چنین‌کاری امکان‌پذیر نیست. مثلاً اگر بچه‌ای بخواهد برای رفتن به کتابخانه از روستای صدیق‌زهی که مورد نظر ماست تا زاهدان که نزدیک‌ترین مرکز به آن است، برود باید ۱۰۰ کیلومتر طی کند. به این فکر کردیم جایی کار کنیم که مؤثر باشیم.»

اعتماد به نفس، با ساخت کتابخانه

مژگان عباسی، مدیر روابط عمومی گروه یاران جامع است. او درباره نوع فعالیت‌های گروه‌شان می‌گوید: «ما تصمیم داریم کار خیر علمی و آموزشی انجام دهیم. تصمیم داریم کار پایدارتری انجام دهیم. درست است که تمول مالی‌مان زیاد نیست اما می‌توانیم از علمان در این‌باره استفاده کنیم. بر اساس توسعه پایدار. کتابخانه را که ساختیم و اعتماد به نفس‌مان بالاتر رفت، کلاس‌های آموزشی ترتیب دادیم و آموزش سوزن‌دوزی را در آن منطقه احیا کردیم. در نزدیکی سیستان و بلوچستان به روستایی رسیدیم که با کمک همه اعضای گروه در آنجا مدرسه پسرانه‌ای ساختیم و تحویل اهالی دادیم. در مرحله ساخت معلمان آن روستا یک ماه حقوق خودشان را برای ساخت مدرسه اهدا کردند. این به‌عنوان تعامل خوب بومیان برای ساخت مدرسه برای خودشان بود. این‌طور بود که محلیان نمک‌گیر شدند و فضای سبز اطراف مدرسه را ساختند. آنها معلمان زنی بودند که در ساخت مدرسه پسرانه کمک کرده بودند. برای همین بلافاصله تصمیم گرفته شد که مدرسه دخترانه هم در آن محله ساخته شود. قراردادهای اجرایی بسته شد. یکی، ۲ ماه دیگر کلنگ آن نیز به زمین خواهد خورد.» اکنون این گروه به ایجاد و بهبود فضای بهداشت محله فکر می‌کنند.

### از مدرسه‌سازی تا آموزش بهداشت

اکنون کمیته‌ای تشکیل می‌شود متشکل از هم‌مدرسه‌ای‌های جامع و اهالی صدیق‌زهی با این رویکرد که در آن محل چه کارهایی صورت گیرد. حتی این گروه اکنون به بحث اشتغال جوانان آن محله فکر می‌کند. به اینکه چطور برای جوانان شغل‌هایی ایجاد شود. به محیط‌زیست، رفع مشکل آب، بهداشت و... می‌خواهند زیرساخت‌های روستا را برای زندگی بهتر فراهم کنند تا این روستا بتواند امکاناتش را با روستاهای نزدیک خودش به اشتراک بگذارد. علی شکرابی، رئیس هیئت‌مدیره یاران جامع می‌گوید: «باید منطقه را از نظر فرهنگی و آموزشی به سطح زندگی برسانیم. نمی‌گوییم ما می‌توانیم این منطقه را به سطح قابل قبولی که از زندگی توقع داریم برسانیم اما حداقل این است که این منطقه از حداقل‌ها به‌رمنند شود. این روند رشد در آن روستا به نفع کل مملکت است. به نفع امنیت و رفاه در کل کشور. حتی جایی که ما زندگی می‌کنیم.»

### فرستادن معلم به مناطق محروم

شکرابی می‌گوید: «قطعاً تجهیز مدرسه و فرستادن معلم‌ها کار ساده‌ای نیست. سعی می‌کنیم توسعه پایدار را در آن روستا شروع کنیم. پس از آن است که می‌دانیم در ۲۰ سال آینده چه اتفاقاتی قرار است در آن منطقه رخ دهد. این باعث شد هزینه‌های زندگی بالاتر رود و فکر زندگی در محله از سر ساکنان آن بیرون رود. همین شد که در حال حاضر یکسری روستاهای خالی از سکنه وجود دارد. با رفاه نسبی این مرکزیت‌خواهی کمی برطرف شده و مردم در شهرهای خود می‌مانند و این باعث رشد کل جامعه خواهد بود.» اول مهر طرحی که در گروه یاران جامع قرار است اجرا شود، فلورایدنترایی یا طرح پیشگیری از پوسیدگی دندان است و اواخر پاییز هم قرار است آموزش بهداشت در منطقه اجرایی شود. اجرای هیچ طرحی منوط به اتمام طرح دیگر نیست و قرار است تحول در همه ابعاد در منطقه اتفاق بیفتد. حسینی می‌گوید: «برخی از اینها مثل ساخت مدرسه بسیار هزینه‌بر است اما در اصول توسعه پایدار همه چیز با هم پیش خواهد رفت.» اسم همه مدارس با یاد مدرسه جامع «یاران جامع» خواهد بود.

### مبصر کلاس همچنان مبصر است

هیئت‌مدیره از ۷ عضو اصلی و ۲ بازرس تشکیل شده است. رئیس هیئت‌مدیره و مدیر طرح علی شکرابی است، چون از همان اول هم کوهنورد بود و مسافرت کردن را دوست داشت. روشنگ و هابی، مسئول امور مالی است چون همیشه در این شغل فعالیت و کار کرده و امانت‌دار بچه‌ها بوده است. اسماعیلی مبصر بوده و نقشه‌ها را حسینی می‌کشیده و عباسی عاشق این بوده از حال همه پرسد و گروه را سر و سامان دهد. انگار همه جای خوبی نشستند تا گروهی شکل بگیرد که همه دغدغه‌اش کمک به مردم نیازمند است. مهم این است که در محله ما مردمی زندگی می‌کنند که دلشان برای فرسنگ‌ها دورتر از مرزهای محله و منطقه خودشان می‌تپد و آنقدر آموخته‌اند که زندگی‌شان گاهی فراتر از مرزهای جایی که زندگی می‌کنند نیز جریان دارد. آنچه در میان این گروه اهمیت دارد این است که تنها نیستند و خانواده‌های این ۱۲۰ عضو نیز درگیر کار خیر گروه شده‌اند. عباسی می‌گوید: «فرزندانشان در جمع‌آوری لوازم تحریر، بسته‌بندی و ارسال این بسته‌ها به مناطق محروم به ما کمک می‌کنند. ما امیدواریم که بچه‌ها نیز دوستی‌شان مثل ما محکم و پایدار شود و آنها هم بتوانند ادامه‌دهنده این راه باشند.» به نظر آنها این رفتار باعث می‌شود بچه‌ها یاد بگیرند نسبت به مردم دیگر و جامعه خود حساس باشند. یاد بگیرند بخشی از زندگی و حقوق خود را به نیازمندان

اختصاص دهند. اسماعیلی می‌گوید: «اگر بتوانیم این رفتار را در بچه‌هایمان نهادینه کنیم ما برنده‌های آزمون پدر و مادر بودن شده‌ایم. برنده کار خیر و به نظرم دستمزد ما همین خواهد بود.»

همشهری محله